



کارل مارکس  
**سرمائہ**

مجلد سوم

نقد اقتصاد سیاسی

حسن مرتضوی

## فهرست

۱۱	پیش‌گفتار مرحوم بر محلد سوم سرمایه
۱۳	نگاهی تازه به فرآیند نارمایی در کاپیتال دیالکتیک پنهان‌شدن پشتِ عریانی / کمال حسروی
۶۷	پیش‌گفتار / فریدریش انگلس

### سرمایه / محلد سوم فرآیند تولید سرمایه‌داری در کلیت آن

۸۷	پاره‌ی یکم تبدیل ارزش اصافی به سود، و برج ارزش اصافی نه برج سود
۸۹	فصل اول قیمت تمام‌شده و سود
۱۰۳	فصل دوم برج سود
۱۱۱	فصل سوم رابطه‌ی بین برج سود و برج ارزش اصافی
۱۳۱	فصل چهارم تاثیر برگشت بر برج سود
۱۳۷	فصل پنجم صرفه‌جویی در استفاده از سرمایه‌ی ثابت
۱۳۷	۱ ملاحظات کلی
۱۴۶	۲ امساک در لوآرم کار به حساب کارگران معادن رعالسگ
۱۵۴	۳ صرفه‌جویی در تولید و انفعال نیرو و ساحمان‌ها
۱۵۸	۴ بهره‌برداری از رواند تولید
۱۶۱	۵ صرفه‌جویی از طریق احراعات
۱۶۳	فصل ششم تاثیر تغییر قیمت
۱۶۳	۱ بوسانات در قیمت مواد خام؛ ناسراب مستعم آن‌ها بر برج سود
۱۶۷	۲ ارزش‌افزایی و ارزش‌کاهی سرمایه؛ آراد و حسن‌شدن سرمایه
۱۸۰	۳ تصویر کلی بحران پسه در ۱۸۶۵ - ۱۸۶۱
۱۹۵	فصل هفتم پیوست‌ها
۱۹۹	پاره‌ی دوم تبدیل سود به سود میانگین
۲۰۱	فصل هشتم ترکیب‌های متفاوت سرمایه در شاحه‌های متفاوت تولید، و تفاوت حاصل از آن در برج‌های
۲۰۱	سود
۲۱۳	فصل نهم تشکیل برج عمومی سود (برج میانگین سود) و تبدیل ارزش‌های کالایی به قیمت‌های تولید

۴۲۹	فصل بیست و چهارم برون‌نمایی رابطه‌ی سرمایه در شکل سرمایه‌ی بهره‌دار
۴۳۷	فصل بیست و پنجم اعیان و سرمایه‌ی محاری
۴۵۵	فصل بیست و ششم انباشت سرمایه‌ی پولی و ناثر آن بر نرخ بهره
۴۷۵	فصل بیست و هفتم نقش اعیان در تولید سرمایه‌داری
۴۸۳	فصل بیست و هشتم وسیله‌ی گردش و سرمایه نظرات بوک و فولارتون
۵۰۱	فصل بیست و نهم اجرای تشکیل‌دهنده‌ی سرمایه‌ی نانکی
۵۱۳	فصل سی‌ام سرمایه‌ی پولی و سرمایه‌ی واقعی I
۵۲۹	فصل سی‌ونهم سرمایه‌ی پولی و سرمایه‌ی واقعی II (ادامه)
۵۲۹	۱ تبدیل بول نه سرمایه‌ی اسفراصی
۵۳۶	۲ تبدیل سرمایه با درآمد نه بولی که نه سرمایه‌ی اسفراصی بدل می‌سود
۵۳۹	فصل سی‌ودوم سرمایه‌ی پولی و سرمایه‌ی واقعی III (نتیجه)
۵۵۳	فصل سی‌وسوم وسیله‌ی گردش در نظام اعتباری
۵۷۹	فصل سی‌وچهارم اصل پول در گردش و فانون نانکی سال ۱۸۴۴ انگلستان
۵۹۷	فصل سی‌وپنجم فلرات گران‌بها و نرخ تسعیر
۵۹۷	۱ حرکت دخره‌ی طلا
۶۰۵	۲ نرخ تسعیر
۶۲۳	فصل سی‌وششم مناسبات پیش‌سرمایه‌داری
۶۴۱	ناره‌ی ششم تبدیل سود اضافی نه رانت ارضی
۶۴۳	فصل سی‌وهفتم مقدمه
۶۶۷	فصل سی‌وهشتم رانت نفاصلی نکات کلی
۶۷۵	فصل سی‌ونهم بحسب شکل رانت نفاصلی (رانت نفاصلی I)
۶۹۷	فصل چهلم دومین شکل رانت نفاصلی (رانت نفاصلی II)
۷۰۷	فصل چهلم و یکم رانت نفاصلی II - حالت اول قیمت تولید ثابت
۷۱۵	فصل چهلم و دوم رانت نفاصلی II - حالت دوم قیمت تولید برولی
۷۱۵	۱ بهره‌وری ثابت در ارای سرمایه‌گذاری الحافی
۷۲۲	۲ نرخ کاهنده‌ی بهره‌وری در ارای سرمایه‌ی الحافی
۷۲۳	۳ نرخ فرابنده‌ی بهره‌وری در ارای سرمایه‌ی الحافی
۷۲۹	فصل چهلم و سوم رانت نفاصلی II - حالت سوم قیمت تولید صعودی
۷۵۳	فصل چهلم و چهارم رانت نفاصلی حقی در تدبیر ریس ربرکت
۷۶۳	فصل چهلم و پنجم رانت ارضی مطلق
۷۸۵	فصل چهلم و ششم رانت ریس‌های ساحمانی، رانت معادن، قیمت ریس

۲۲۹	فصل دهم هم‌تراشدن نرخ عمومی سود از طریق رقابت قیمت‌های بازار و ارزش‌های بازار سود اضافی
۲۵۳	فصل یازدهم اثراات بوسان‌های عمومی مردم بر قیمت‌های بولید
۲۵۷	فصل دوازدهم پیوست‌ها
۲۵۷	۱ غلب‌های بعبر قیمت بولید
۲۵۸	۲ قیمت بولید کالاهایی با برکت مانه
۲۵۹	۳ دلایل سرمایه‌دار برای حیران
۲۶۳	پاره‌ی سوم فانون گران‌ش برولی نرخ سود
۲۶۵	فصل سیزدهم قانون نه‌خودی خود
۲۸۳	فصل چهاردهم عوامل حتی‌کننده
۲۸۳	۱ افراص سطح اسماکار کار
۲۸۶	۲ کاهش مردم نه ناس بر از ارزش خود
۲۸۶	۳ ارزش‌کردن عناصر سرمایه‌ی ثابت
۲۸۶	۴ اضافه‌جمعیت بسی
۲۸۷	۵ نازرگانی خارجی
۲۹۰	۶ افراص در سرمایه‌ی سهامی
۲۹۱	فصل پانزدهم گسترش نصادهای درویی فانون
۲۹۱	۱ ملاحظات عمومی
۲۹۵	۲ معارض نس گسرس بولید و ارزش‌افزایی
۲۹۹	۳ سرمایه‌ی اضافی در کنار اضافه‌جمعیت
۳۰۶	۴ پیوست‌ها
	پاره‌ی چهارم تبدیل سرمایه‌ی کالایی و سرمایه‌ی پولی نه سرمایه‌ی کالایی و سرمایه‌ی پول‌پیشه (سرمایه‌ی نازرگانی)
۳۱۳	فصل شانزدهم سرمایه‌ی کالایی‌پیشه
۳۱۵	فصل هفدهم سود نازرگانی
۳۲۷	فصل هجدهم برگشت سرمایه‌ی نازرگانی قیمت‌ها
۳۴۷	فصل نوزدهم سرمایه‌ی پول‌پیشه
۳۵۹	فصل بیستم مطالب نارنجی در ناره‌ی سرمایه‌ی نازرگانی
۳۶۷	پاره‌ی پنجم نسیم سود نه بهره و سود نگاه‌دار
۳۸۱	فصل بیست و یکم سرمایه‌ی بهره‌دار
۳۸۳	فصل بیست و دوم نسیم سود نرخ بهره «طبعی» بهره
۴۰۱	فصل بیست و سوم بهره و سود نگاه‌دار
۴۱۱	

۷۹۳	فصل چهل و هفتم ریشه‌ها و پیدایش رات ارضی سرمایه‌دارانه
۷۹۳	۱ مقدمه
۸۰۰	۲ رات کار
۸۰۳	۳ رات حسی
۸۰۵	۴ رات پولی
۸۱۰	۵ مراغه و مالکیت خرد دهعانی
۸۲۱	پاره‌ی همم درآمدها و حاستگاه‌های آنها
۸۲۳	فصل چهل و هشتم فرمول تثلیث
۸۳۹	فصل چهل و نهم دربارهی واکاوی فرآیند تولید
۸۵۷	فصل پنجاهم فرامود رفات
۸۷۷	فصل پنجاه و یکم مناسبات توریع و مناسبات تولد
۸۸۳	فصل پنجاه و دوم طبقات
۸۸۵	مکمل و پیوست به محلد سوم سرمایه / فریدریش انگلس
۸۸۶	۱ قانون ارزش و برج سود
۹۰۰	۲ بازار بورس
۹۰۳	واژه‌نامه
۹۰۷	نمایه‌ی عمومی
۹۲۵	فهرست منابع

## فصل یکم

### قیمت تمام شده و سود

در محلد یکم پدیده‌هایی پژوهش شدند که فرآیند تولید سرمایه‌داری را به‌حدی خود، هم‌چون فرآیند بی‌واسطه‌ی تولید، برکار از همه‌ی تأثیرات ثانوی اوضاع و احوال بیگانه نا آن، به نمایش می‌گذارند اما این فرآیند تولید بی‌واسطه، چرخه‌ی رندگی سرمایه را دربر نمی‌گیرد فرآیند یادشده در دیای واقعی با فرآیند گردش تکمیل می‌شود، و این موضوع پژوهش ما در محلد دوم بود در آن‌جا، به‌ویژه در پاره‌ی سوم، که فرآیند گردش را به‌عنوان واسطه‌ی فرآیند نارتولید اجتماعی بررسی کردیم، نشان دادیم که فرآیند تولید سرمایه‌داری، چنان‌چه در کل در نظر گرفته شود، وحدت فرآیندهای تولید و گردش است هدف محلد سوم نمی‌تواند فقط تدوین تأملاتی عام درباره‌ی این وحدت باشد، برعکس، مسأله‌ی ما کشف و ارائه‌ی شکل‌های انضمامی است که از فرآیند حرکت سرمایه به‌عنوان یک کل برون می‌روند سرمایه‌ها در حرکت بالفعل خود، در شکل‌های انضمامی معینی نا هم مواحه می‌شوند، و هیات سرمایه در فرآیند تولید بی‌واسطه، و بیر در فرآیند گردش، تنها لحظه‌هایی خاص از این حرکت به نظر می‌رسد به این ترتیب، پیکربندی‌های سرمایه، به نحوی که آن‌ها را در این محلد سسط داده‌ایم، گام‌به‌گام به شکلی نزدیک می‌شوند که در سطح جامعه، در کش سرمایه‌های متفاوت بر یک‌دیگر، یعنی در رقابت، و در شاحت عادی خود عواملان تولید ظاهر می‌شوند

\*\*\*

ارزش هر کالای  $C$  را که به شیوه‌ی سرمایه‌داری تولید می‌شود، می‌توان با دستور  $C = c + v + s$  توصیف کرد اگر ارزش اضافی  $s$  را از ارزش این محصول کسر کنیم، هم‌ارز صرف یا ارزش‌حای‌گربین در کالاها برای ارزش سرمایه‌ای  $c + v$  باقی می‌ماند که حرح عناصر تولید شده است

فرص می‌کنیم تولید حس معینی مستلزم صرف‌کردن ۵۰۰ پوند استرلینگ سرمایه باشد ۲۰ پوند استرلینگ برای فرسوده‌شدن ابزار کار، ۳۸۰ پوند استرلینگ برای مواد خام و ۱۰۰ پوند استرلینگ برای بیروی کار اگر برح ارزش اضافی را ۱۰۰ درصد فرص کنیم، آن‌گاه ارزش محصول عبارت است از

$$600 = 400c + 100v + 100s$$

پس از کسر ۱۰۰ پوند استرلینگ ارزش اضافی، ۵۰۰ پوند استرلینگ ارزش کالا باقی می‌ماند، و اس مقدار، فقط حای‌گربین ۵۰۰ پوند استرلینگ سرمایه‌ی صرف‌شده می‌شود این بخش از ارزش کالا،

به سهم خود، صرف بیروی کاری برابر با  $100s + 100v$  یا  $\frac{2}{3} \times 666$  یک روز کار ده‌ساعته هزینه دارد. در این محلّد یکم (فصل هفتم، ص ۲۳۵) {ترجمه‌ی فارسی} می‌دانم که ارزش محصول تازه‌تولیدشده، در این جا ۶۰۰ پوند استرلیگ است، تشکیل می‌شود از (۱) ارزش سرمایه‌ی ثابت ۴۰۰ پوند استرلیگی که برای وسایل تولید خرج، و از بوی ظاهر می‌شود، و (۲) ارزش تازه‌تولیدشده‌ی ۲۰۰ پوند استرلیگی که تمام‌شده‌ی کالا، ۵۰۰ پوند استرلیگ، از  $400c$  دوباره‌ظاهرشده، به‌علاوه‌ی بیمی از ارزش تازه‌تولیدشده‌ی ۲۰۰ پوند استرلیگی (یعنی  $100v$ ) تشکیل می‌شود، یعنی دو عصر از ارزش کالا که از لحاظ حاستگاه‌های خود کاملاً متفاوتند.

به دلیل حصلت هدف‌مند کار صرف‌شده در جریان این  $\frac{2}{3} \times 666$  روز کار ده‌ساعته، ارزش وسایل تولید مصرف‌شده، به مبلغ ۴۰۰ پوند استرلیگ، از این وسایل تولید نه محصول انتقال می‌یابد. بنابراین، این ارزش قدیمی بار دیگر به‌عنوان حریبی از ارزش محصول ظاهر می‌شود، گرچه در فرآیند تولید این کالا نه وجود نمی‌آید این ارزش فقط به‌عنوان حریبی از ارزش محصول وجود دارد، چون پیش‌تر به‌عنوان حریبی از سرمایه‌ی تخصص‌یافته وجود داشت. به این ترتیب، سرمایه‌ی ثابتی که خرج شده بود، با بخشی از ارزش کالا جای‌گرمی می‌شود که خود، بر این ارزش کالا می‌افزاید. بنابراین، این جزء قیمت تمام‌شده معنای دوگانه‌ای دارد از سویی، در قیمت تمام‌شده‌ی کالا وارد می‌شود، زیرا حریبی از ارزش کالا است و جای‌گرمی سرمایه‌ی مصرف‌شده می‌شود، از سوی دیگر، حریبی از این ارزش کالا را تشکیل می‌دهد، زیرا فقط ارزش سرمایه‌ی مصرف‌شده است، یا چون وسایل تولید این مقدار می‌آورد.

و قیمت برای جزء دیگر قیمت تمام‌شده کاملاً متفاوت است  $\frac{2}{3} \times 666$  روز کاری که در جریان تولید کالا صرف شده بود، ۲۰۰ پوند استرلیگ ارزش جدید شکل می‌دهد از این ارزش جدید، به بخش فقط جای‌گرمی ۱۰۰ پوند استرلیگ سرمایه‌ی متغیری که تخصیص‌یافته یا بهای سروی کار سرمایه‌ی تمام‌شده می‌شود اما این تخصص ارزش سرمایه نه هیچ‌وجه منحرفه تشکیل ارزش جدید نمی‌شود. سروی کار در چارچوب سرمایه‌ای که تخصیص می‌یابد ارزش شمرده می‌شود، اما در فرآیند تولید، ارزش سرمایه‌ی کار، آن‌گونه که در سرمایه‌ی تخصیص‌یافته به حساب می‌آید، به‌عنوان ثمر رنده و ارزش‌آفرینی داریم که عملاً به‌عنوان سرمایه‌ی مولّد عمل می‌کند.

هنگامی که تعبیری در مقدار ارزش بخش ثابت یا متغیر سرمایه‌ی خرج‌شده رخ می‌دهد، تفاوت بین این احزاب تشکیل‌دهنده‌ی گوناگون ارزش کالا، که قیمت تمام‌شده را تشکیل می‌دهد، فوراً به چشم می‌آید. مثلاً قیمت وسایل تولید واحدی، یا بخش ثابت سرمایه، از ۴۰۰ به ۶۰۰ پوند استرلیگ افزایش می‌یابد، یا برعکس، به ۲۰۰ پوند استرلیگ کاهش می‌یابد. در حالت اول، فقط قیمت تمام‌شده‌ی کالا نسبت به آن ۵۰۰ پوند استرلیگ به  $600c + 100v = 700$  پوند استرلیگ افزایش می‌یابد، بلکه خود ارزش کالا نیز از ۶۰۰ پوند استرلیگ به  $600c + 100v + 100s = 800$  پوند استرلیگ افزایش می‌یابد. در حالت دوم، به‌سها قیمت تمام‌شده از ۵۰۰ پوند استرلیگ به  $200c + 100v = 300$  پوند استرلیگ

که جای‌گرمی قیمت وسایل تولید مصرف‌شده و بیروی کار به‌کارگرفته‌شده می‌شود، فقط جای‌گرمی هزینه‌ای می‌شود که کالا برای خود سرمایه‌دار دربر دارد، و بنابراین، قیمت تمام‌شده‌ی کالا برای اوست آن قدر که کالا برای سرمایه‌دار تمام می‌شود، و آن قدر که تولید آن کالا عملاً تمام می‌شود، دو مقدار کاملاً متفاوت هستند آن بخش از ارزش کالا که شامل ارزش اضافی است، هیچ هزینه‌ای برای سرمایه‌دار ندارد، نه این دلیل که شامل هزینه‌ی کار پرداخته‌ی کارگر است اما چون کارگر، در وضعیت تولید سرمایه‌داری، خود حریبی از سرمایه‌ی مولّد در حال کار متعلق به سرمایه‌دار است، و بنابراین، سرمایه‌دار تولیدکننده‌ی بالفعل کالا است، قیمت تمام‌شده‌ی کالا ضرورتاً چون هزینه‌ی بالفعل خود کالا به‌طرح {سرمایه‌دار} می‌رسد اگر ما قیمت تمام‌شده را  $k$  بنامیم، دستور  $C = c + v + s$  به دستور  $C = k + s$  تبدیل می‌شود، یا ارزش اضافی + قیمت تمام‌شده = ارزش کالا.

هنگامی که بخش‌های گوناگون ارزش کالا را که صرفاً جای‌گرمی ارزش سرمایه‌ی صرف‌شده در تولید کالا می‌شود، تحت عنوان قیمت تمام‌شده ترکیب می‌کنیم، از سویی، حصلت حاصل تولید سرمایه‌داری را بیان می‌کنیم. هزینه‌ی سرمایه‌دار برای کالا بر حسب صرف سرمایه، اما هزینه‌ی بالفعل کالا بر حسب صرف کار سنجیده می‌شود. بدین ترتیب، قیمت تمام‌شده کالا برای سرمایه‌دار به لحاظ کمی نا ارزش یا قیمت تمام‌شده‌ی بالفعل آن متفاوت، و از ارزش کالا کم‌تر است، زیرا اگر  $C = k + s$ ، آن‌گاه  $k = C - s$  اما از سوی دیگر، قیمت تمام‌شده‌ی کالا به‌هیچ‌وجه یک فلم هزینه نیست که صرفاً در حساب‌داری سرمایه‌دار ثبت می‌شود استقلال‌یابی این بخش از ارزش پیوسته خود را در تولید واقعی کالا اعمال می‌کند، زیرا باید دائماً از شکل کالایی‌اش در فرآیند گردش از بوی شکل سرمایه‌ی مولّد مدل شود، یعنی قیمت تمام‌شده‌ی کالا، باید به‌طور مداوم عناصر تولید مصرف‌شده در تولیدش را بازپس بخرد.

با این همه، ستون قیمت تمام‌شده، نا تشکیل ارزش کالا یا فرآیند ارزش‌آفرینی سرمایه ارتباطی ندارد. اگر بدانم پنج‌ششم ارزش یک کالای ۶۰۰ پوند استرلیگی، یعنی ۵۰۰ پوند استرلیگ، صرفاً هم‌ارز ارزش جای‌گرمی - ۵۰۰ پوند استرلیگ سرمایه‌ای است که خرج شده، و بنابراین، فقط همین سرمایه برای با خرید عناصر مادی این سرمایه کافی است، هور نه می‌دانم چگونه این پنج‌ششم ارزش کالا، که قیمت تمام‌شده‌اش را تشکیل می‌دهد، تولید شد، و به می‌توانم حاستگاه آن یک‌ششم آخر، که ارزش اضافی‌اش را تشکیل می‌دهد، توضیح دهم اما تحقیق ما نشان خواهد داد که قیمت تمام‌شده نا این همه در اقتصاد سرمایه، فرمانمود کادب یک مقوله‌ی متعلق به خود تولید ارزش را پیدا می‌کند.

به مثال خود باز می‌گردم. اگر فرصت کنیم ارزش تولیدشده توسط یک کارگر در یک روز کار میانگین اجتماعی، در مبلغی پول به ارزش ۶ شیلینگ بیان شود، آن‌گاه سرمایه‌ی تخصیص‌یافته، یعنی  $100v + 400c = 500$  پوند استرلیگ، محصول ارزشی  $\frac{2}{3} \times 666$  روز کار ده‌ساعته است که از آن،  $\frac{1}{3} \times 666$  کار روزانه در ارزش وسایل تولیدی برابر با  $400c$  و  $\frac{1}{3} \times 666$  در ارزش سروی کاری برابر با  $100v$  متبلور می‌شود، نا توجه به برح فرضی ارزش اضافی ۱۰۰ درصدی، تولید بالفعل کالای جدید